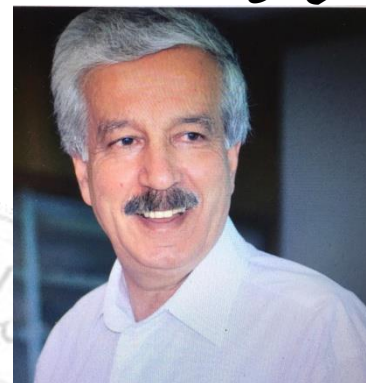


در مورد نورمها وقوانین بین المللی استفاده از دریاهاى فرامرزی، امکانات استفاده از منابع آبی افغانستان، نیازمندیها و دشواری ها



عنایت نبیل بارکزی

در حالیکه کشورها در بهره گیری از منابع طبیعی در سرزمین های شان از آزادی کامل برخوردارند، در استفاده از آب آن دریاهاى که از کشورشان سرچشمه گرفته و در قلمرو شان جریان داشته ولى به کشور یا کشورهاى دیگرى جریان ميبابد، يعنى درياهاى متوالى successive rivers، ويا درياهاى که سرحد بين دو يا بيشتر از دو کشور را تشكيل میدهند و به اسم دريا هاى contiguous rivers، يادشده، به محدوديت هاى مواجهه اند. اين درياها مطابق به احکام ميثاق بين المللى آبها، يا درياهاى بين المللى يعنى " ميثاق ملل متحد در مورد حقوق استفاده از آبهاى بين المللى به مقاصد غير از کشتى رانى" UN Convention on the Law of Non- Navigational Use of the International Watercourse، و ساير نورمهاى قبول شده جهانى از جمله حقوق عرفى بين المللى آب، و همچنان در اصطلاح و تعاريف حقوق بين المللى، بنام درياى بين المللى خوانده ميشوند. البته موقعيت جغرافيايى کشورها (بالا آب وياپايين بودن) و تاثير آن، و فکتورهاى سياسى اثر گذار ديگر، در روابط سياسى شان با همسايگان ويا کشورهاى که مدعى استحقاق وحق استفاده از اب اين نوع درياها ميباشند، را نيز، بايستى حين تصميم گيرى در رابطه به استفاده از اب چنين دريا ها، در نظر گيرند.

در کشورما، در گذشته ها، وقتى در مورد ثروت و منابع طبيعى افغانستان بحث صورت ميگرفت، به اب درياها، که در رده بندى و تصنيف آبها در جمله آبهاى شيرين بحساب مى آيند و يکى از سرمايه هاى با اهميت مى کشورما است، کمتر توجه مى شد. قابل يا آورى است که باوصف اينکه کمبود آب شيرين چهار هزار سال قبل موجب جنگ بين دوشهر در بين النهرين گرديد و بسا سرزمينها از عدم آب شيرين کافى رنج ميبردند، توجه دنيا به آبهاى شيرين الی دهه هاى سوم و چهارم قرن بيست خيلى کمرنگ بود. اما از اينکه مقدار يا حجم آب در کره زمين در سه مليارد سال تغير ننموده ولى تکثر نفوس بصورت تصاعد

هندسی صورت گرفته (البته در قرن بیست بیشترین تکرر نفوس صورت گرفته است و تصور می‌رود که این تکرر در قرن بیست و یکم که ما در آن قرار داریم و قرنهای بعدی، در کشورهای روبه انکشاف دوام داشته باشد). همچنان با انکشاف صنایع فابریکات متعددی (صدها هزار) که برای پروسه تولید به آب ضرورت دارند، بوجود آمدن شهرهای نهایت بزرگ و پر نفوس و زندگی متمدن شهری که نیاز آب را نسبت به زندگی بدوی و محلی چندین بار بیشتر ساخته است و در این اواخر تغییر اقلیم که سبب کمی بارش برف و آب شدن یخچالها و در نتیجه کاهش آب سطحی (آب دریاها و جهیلها) سبب شد تا کشورهای جهان به آب شیرین توجه جدی تر نموده و پالیسی های شانرا در این عرصه بازنگری کنند. در کشور ما هم در سالهای اخیر پادشاهی اعلیحضرت ظاهر شاه و هم در زمان ریاست جمهوری سردار محمد داود استفاده بهینه از منابع آبی مورد بحث قرار گرفته پروژه های زیادی برای اعمار بندهای آب گردان، برای آبیاری زمینهای قابل زرع که تحت آب بودند و یا نبودند و بندهای برق، طرح و دیزاین شده و یک تعداد آن تکمیل شد. اما از کودتای ماه ثور 1357 به بعد و آغاز نآرامی ها که منجر به جنگ های داخلی، مداخله کشورهای خارجی تا سرحد تجاوز و اشغال افغانستان گردید و ادامه تا امروز، اکثر پروژه های مطروحه بدلائل امنیتی و فقدان منابع مالی، در سطح پلان روی کاغذ باقی مانده و صرف تعداد محدود آن در زمان حکومت اقایون کرزی و غنی به پایه اكمال رسیده و به بهره برداری سپرده شدند. براساس خبر های واصله از کشور کارروی بعضی از بندهای کوچک آب گردان دوباره توسط حکومت سرپرست طالبان آغاز گردیده است. طوریکه در بالا تذکر رفت، از اینکه از جمله پنج حوزه آبی افغانستان چهار حوزه آن، حوزه های بین المللی بشمار می آیند، زیرا آب های دریا های این حوزه ها که شامل آب معاونین شان نیز میگردد، از سالیان متمادی بطور طبیعی به کشوریا کشورهای دیگر جریان داشته است، برای هر نوع بهره برداری از این دریاها باید با کشورهای آب شریک تفاهم بعمل آید. این تفاهم یعنی ارسال اطلاعاتیه به آنها و کسب توافق یا اقلاً عدم مخالفت آنها باید بدلائل ذیل صورت گیرد.

- (1) بنا به مکلفیت حقوقی (آب شریک بودن)،
- (2) افغانستان کشور محاط به خشکه بوده نیازمند همکاری کشورهای همسایه و منطقه است.
- (3) از اینکه بندهای متوسط و بزرگ از 500 ملیون تا یک ملیارد دالر و حتی بیشتر سرمایه گذاری را نیاز دارد که برای تمویل آن ضرورت به گرفتن مساعدت از بانک جهانی، بانک آسیائی، بانک اسلامی، بانک که در چند سال اخیر توسط چین و روسیه ایجاد شده یعنی بانک سرمایه گذاری برای انکشاف زیر بنا و یاسایر نهادهای مالی و پولی منطقوی و بین المللی و یا مساعدتهای دوجانبه است. تمام این بانکها و نهادها صرف در صورتی حاضر به تمویل میشوند که کشورهای آب شریک مخالفتی نداشته باشد (برای روشن شدن موافقت و عدم موافقت آب شریک ها، آنها نیاز به صدور اطلاعاتیه پاسخ

کشورهای آب شریک دارند). همچنان مساعدتهای دوجانبه جهات مختلف مناسبات شان را قبل از مساعدت به افغانستان با کشورهای که از تطبیق پروژه های انکشاف منابع آب در افغانستان متأثر می گردند، ارزیابی نموده درروشنی آن به مساعدت یاعدم آن، تصمیم اتخاذ می کنند. برای اینکه جامعه جهانی و کشورهای دونه یا قرصه دهنده تاحدودی از نیت واقعی ما یعنی اینکه ما تاحد توان قوانین و نورمهای جهانی را در نظرخواهیم داشت، و همسایگان از حقوق شان محروم نخواهیم ساخت. من زمانیکه برای توضیح مطلبی که تهیه نمودم با رئیس جمهوردر ملاقات رویاروی بوی، پیشنهاد نمودم، مناسب خواهد بود ما با کشورهای همسایه دیالوگ های را بمنظور آگاهی از توقعات آنها و اینکه چگونه میتوانیم همکاری نمائیم، آغاز کنیم. خوشبختانه رئیس جمهور نظریا پیشنهاد را پذیرفته و بر اساس آن سه جلسه برای تبادل نظرهم با دوکشور همسایه صورت گرفت. دو جلسه با ایران و یک جلسه با اوزبیکستان که من در این جلسات اشتراک داشتم. اما بصورت عموم، طوریکه دیده میشد و میشود، کشورهای همسایه که خود را در آبهای چهار حوزه آبی دریاهای که از افغانستان سرچشمه می گیرد و به کشورهای آنها سرازیر میشود، آب شریک دانسته وخواستار حقوقی اند، از پلانهای افغانستان راضی نبوده و عکس العمل مساعدی نشان نداده و بعضی از آنها حتی تا سطح تهدید هم پیشرفتند (در این مورد یعنی آب و امنیت ملی در مقاله جداگانه بحث خواهم کرد). بناً برای اینکه ما از منابع آبی خود استفاده برده بتوانیم و در عین حال به مخالفت کشورهای آب شریک مواجه نشویم، لازم است ستراتیژی معقولی را طرح وبادقت کامل تطبیق نمائیم. ستراتیژی که، در مغایرت شدید با میثاق بین المللی یاد شده نبوده، فیصله های سازمان ملل متحد و همه سازمانهای حکومتی و غیر حکومتی دست اندر کار درمسایل اب، در نظرگرفته شود تا در حین ضرورت بتوانیم به آنها برای کمک، حمایت، مشوره و تمویل مراجعه نمائی. البته در همه حالات منافع ملی ما که را همیشه باید بمثابه هدف اولی مدنظر گرفته شود، از نظر دور نداشته و اگر اصول وقواعدی در زمینه وجود داشته میباشد، که امکان داشته باشد مشکلی را برای تحقق منافع ملی ایجاد نماید، بدقت مطالعه و برای پیدا نمودن شیوه دفع آن، به تحقیق بپردازیم.

میخواهم تکرار نمایم که، به همان پیمانهای که ما علاقمندی به انکشاف منابع آبی خویش داریم، چهار کشور پائین اب ما، ایران، پاکستان، اوزبیکستان و ترکمنستان، که ارزیابی های ملل متحد وسازمانهای بین المللی دست اندر کار درمسایل اب، این کشور ها را درردیف کشور ها و مناطقی که در شرایط یا حالت *water stress*، قراردارند، شامل نموده اند، اقدامات ما را دراین عرصه، با نگرانی دنبال میکنند. من عقیده دارم برای اینکه هم بتوانیم از منابع آبی خویش، با حفظ، و در نظر داشت منافع ملی، بطور موثر و مفید استفاده نمائیم، و هم از تشنج با همسایه ها جلوگیری نموده باشیم، راه های عملی ای را جستجو و بکار گیریم. روش جهانی و تلاش سازمانهای بین المللی نیز در همین جهت در

حرکت است، و کشور های جهان را بیشتر بر اصل " از تقابل به سوی همکاری" تشویق مینمایند.

برای اینکه در این زمینه به موفقیت دست یابیم سه مطلب ذیل مطرح است.

1 - معلومات تخنیکي:

معلومات تخنیکي در قدم اول شامل جمع آوری ارقام درمورد جریان آب در سالهای عادی، کم آبی و سالهای که جریان آب بیشتر از حد عادی یا نورمال است، میگردد، تا حد اوسط سالیانه تخمین گردد. در این مورد تا حدودی کار صورت گرفته بر اساس تحقیقاتی که توسط بانک جهانی در رابطه به مقدار یا حجم مجموعی آب افغانستان انجام شده است، مجموع آبی که از افغانستان سرچشمه گرفته یا در پنج حوزه دریائی در کشور ماجرین دارد نزدیک به 84 میلیارد متر مکعب، به تفکیک ذیل تخمین زده شده است.

حوزه پنج - آمو 48 میلیارد متر مکعب،

حوزه دریائی کابل - که بخشی از حوزه دریای اندس / سند است 21.6 میلیارد متر مکعب،

حوزه دریای هلمند - 9.3 میلیارد مکعب،

هریرود مرغاب 3.1 میلیارد متر مکعب

و **حوزه دریائی شمال** 1.9 میلیارد متر مکعب، آب تولید مینمایند.

اگر چه این تحقیقات بشکل نسبتاً دقیق صورت گرفته است، بانهم شاید تفاوتی در مقدار یا حجم آب، در هر حوزه دریائی و جود داشته باشد و به یقین تغیر اقلیم که در دنیا سبب کاهش مقدار یا حجم آبهای سطحی در جهان شده است، سبب کاهش حجم آب در دریا های افغانستان نیز گردیده است. بهر صورت این ارقام، و پروژه های که روی دو حوزه دریائی ما، پنج - آمو و کابل پیشنهاد شده است، میتواند ما را در تصمیم گیریهای مان، با در نظر داشت اولویت ها و نیاز کشور، کمک نماید.

برای اینکه موسسات مالی و پولی را به تمویل پروژه ها / اعمار بند ها، قانع ساخته و موافقت کشور های آب شریک را بدست آورده بتوانیم، و ثبوت نمائیم که اقدامات ما برای مرفوع نمودن نیاز جدی بشری، اقتصادی، محیط زیستی فرهنگی ما، بوده و، **ضرر قابل ملاحظه ای**، را متوجه کشور های پائین آب نمی سازد، داشتن و یا دانستن این ارقام به تنهایی، کافی نیست، بلکه معلومات کافی در موارد زیرین نیز باید، بصورت علمی و بطور همه جانبه جمع اوری و اماده گردد.

معلومات دقیق و قانع کننده علمی در مورد استحکام و مقاومت بند dam safety، قابل اعتماد بودن دیزاین و محاسبات انجینیری، زیرا خطر اول انهدام یک بند، متوجه اراضی و ساکنین کشور های پایان آب میگردد.

معلومات دقیق در مورد نیاز بشری (آب آشامیدنی و نیاز آب منزل و سایر ضروریات انسانی و فامیل ها)، و تعداد نفوسی که از یک دریای معین یا حوزه دریائی مورد نظر مستفید میگردند، زیرا قطعنامه 292 / 64 مورخ 22 نوامبر 2010 اسامبله عمومی ملل متحد و فیصله و توصیه کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ماده 15، بخش تبصره عمومی آن، حق انسانها به آب را، یک حق اساسی و بنیادی، برای پیش برد یک حیات انسانی و باعزت، و یک پیش شرط برای تحقق سایر حقوق بشری میداند، که کشورهای بالا آب نمیتوانند در صورت نیاز کشور پایین آب آنرا نادیده گیرد.

معلومات دقیق در مورد منافع اقتصادی (تولید انرژی برق، استفاده در زراعت و باغداری، مالداری، استفاده در صنعت و غیره)، کمک پروژه در فقر زدائی که در ، Millennium Development Goals (MDG) یا اهداف انکشافی هزاره، نیز برجسته شده و در میثاقی که در بالا تذکر داده شد و فیصله های سازمان ملل متحد و ارگانهای اختصاصی آن، بحیث یک فکتور قابل ملاحظه از آن یاد اوری گردیده است.

تاثیر و منفعت بند در بهبود محیط زیست، مثلاً انکشاف جنگلداری و جلوگیری از کم شدن و محو جنگلات deforestation و توسعه زراعت، که هم سبب بهبود محیط زیست شده و هم یک اقدام مفید علیه تغیر اقلیم بوده، و تاثیر مثبت آن میتواند هم به افغانستان و هم به کشورهای همسایه، مفید واقع گردد.

ارزش فرهنگی دریا، زیرا قریه و شهرها برای قرنهای در مسیر و نزدیکی دریاها سکونت داشته و دریاها بصورت مستقیم و غیر مستقیم در تمام شئون زندگی آنها تاثیر دارد.

در ماده ششم میثاق ملل متحد در مورد حقوق استفاده از دریاهای بین المللی برای مقاصد غیر از کشتی رانی، هفت مورد بحیث فکتورهای قابل ملاحظه در تعیین حق استفاده، و عدم رجحان دادن به ضرورت یکی از فکتورها بر دیگری، تسجیل شده است. این فکتورها عبارت اند از،

- موقعیت جغرافیائی،
- نیاز اجتماعی اقتصادی هرکشور،
- تعداد نفوسی که در هرکشور زندگی شان به دریا وابسته است،
- تاثیرات استفاده آب در یک کشور بالای کشور دیگر،
- امکانات موجوده استفاده از آب،
- ذخیره، حفاظت، انکشاف و استفاده اقتصادی آب دریا، تاثیر آن و محاسبه مصارف،
- موجودیت بدیل ها و ارزش مقایسوی آن، پلانهای که در نظر است و استفاده موجوده.

در قوانین هلسنکی یا Helsinki Rules 1966 تعداد فکتورها به یازده میرسید . باید علاوه شود، که هیچ یکی از فکتورها بر دیگری ترجیح داده نشده، و همه در مجموع و در کل باید در نظر گرفته شوند. صرف به نیاز جدی بشری vital human needs در هر حالت باید اهمیت جدی تر داده شود.

در حالیکه در مورد ارقام، طوریکه در بالا تذکر رفت، تا حدودی معلومات در دست است، در رابطه به سایر مسایل، معلومات همه جانبه ای که بتوان بر روی آن استناد نمود، شاید وجود نداشته باشد، که لازم است، بزودی جمع اوری گردد. زیرا کشور های پائین اب نیز به تمام مواردی که در بالا تذکر رفت، میتوانند استدلال نموده، نیاز شان را بر ما مبرمتر جلوه دهند.

تیم مذاکره کننده (البته زمانی که رهبری کشور و رئیس جمهور قانونی لازم بدانند مذاکره ای صورت گیرد) ، باید معلومات دقیق و همه جانبه ای که در بالا به آن اشاره شد، در اختیار داشته باشد تا روی آن اتکانموده، و بر اساس آن استدلال نماید.

باید تذکر داد که ما در رابطه به بعضی از دریاها یا حوضهای دریائی مثلاً هلمند، ضرورت به مذاکره را نداریم، زیرا قراردادی در زمینه وجود دارد. قرار اطلاع، اخیراً جانب ایران سعی دارد، ما را به شکلی از اشکال تشویق یا وادار سازد به بازنگری قرار داد توافق کنیم. من باز نگری این قرارداد را به سود کشور ندانسته و به آن نظر موافق ندارم. زیرا شرایط موجود، با شرایط زمان قرارداد، بر اساس فکتور های شامل در ماده 6 میثاق یاد شده، که در بالا به تفصیل انعکاس یافت، و یگانه سند معتبر بین المللی در عرصه دریاهای بین المللی میباشد، با وصف اینکه ما و ایران تا کنون به آن الحاق نکرده ایم، برای ما زیاد مساعد نیست. اگر صحبتی هم صورت گیرد، باید در محور تطبیق و نقض قرارداد موجوده باشد، نه باز نگری قرارداد. ما شاید اسنادی در زمینه نقض قرارداد توسط ایران ارائه داده بتوانیم.

از اینکه صحبت از ماده ششم بعمل بیجا نخواهد بود، اگر به این حقیقت که، ماده ششم و فکتور های مندرج در آن ارتباط خیلی نزدیک به دو ماده دیگر و خیلی مهم میثاق، که جوهر و روح اصلی میثاق را تشکیل میدهند، یعنی ماده پنجم که استفاده منصفانه و عادلانه یا reasonable and equitable را توضیح میدارد، و ماده هفتم که به اصل جلوگیری از وارد نمودن صدمه قابل ملاحظه یا appreciable harm، و یا significant harm، تمرکز نموده، میباشد، نیز اشاره کنیم. این دوماه و اصطلاحاتی که در متن آنها، انعکاس یافته، بارها و مکرراً در منازعات آبهای دریاهای بین المللی بکار رفته و به آن استناد شده، و میشود. در دعاوی، برد با آن کشوربالاتر است، که بتواند اثبات نماید استفاده ای که از آب دریای بین المللی مینماید منصفانه و عادلانه بوده، و ضرر قابل ملاحظه ای، به آب شریک یا شریکان دیگر وارد نمی نماید.

2 - دریافت منابع مالی پروژه های مورد نظر:

منابع مالی پروژه ها از سه طریق تهیه شده میتواند. منابع داخلی، کمک بلا عوض و قرضه ها، که شامل قرضه مساعد با نرخ یا مفاد پائین یا concessionary loans گردیده و یا به فیصدی ربح متداول مارکیت میباشد. البته تصمیم اینکه تمویل از کدام منبع و به چه ترتیب صورت گیرد، به رهبری حکومت و به رئیس جمهور یا صدر اعظم که مقام اول قوه اجرئیه است، اتخاذ خواهد شد. در اینجا می خواهیم نظر خود را در قبال جهات حقوقی، و پیامد های سیاسی شیوه استفاده از آن، بشکل مختصر در رابطه به هریک ابراز داریم.

الف - از منابع داخلی. بگمان اغلب، اگر من اشتباه نکنم، در شرایط فعلی تمویل پروژه های بزرگ از طریق منابع داخلی برای کشورهای روبه انکشاف، بشمول کشور ما، ممکن نیست. اگر پروژه های کوچکی را، روی دریا های اصلی یا دریا های که معاونین دریا های اند که به کشور های دیگر جریان دارند، تطبیق نمائیم، وبخواهیم از منابع داخلی تمویل نمائیم، تطبیق پروژه میتواند بدو شکل صورت گیرد، بصورت یکجانبه و بدون اطلاع به همسایگان و یا فرستادن اطلاعیه به همسایه یا همسایه های ذی علاقه. در صورت اول شاید همسایه عکس العمل جدی نشان داده، عکس العمل ضعیف نشان بدهد و یا اینکه، هیچ عکس العمل نشان ندهد، که، فرضیه سوم، بعید بنظر میرسد. قضاوت و تخمین اینکه شکل، شیوه و شدت عکس العمل، چه خواهد بود، پیش از این که ما تصمیم خود را اعلان نمائیم، دشوار است. ولی عکس العمل هر چه باشد، توام با رضائیت کامل نخواهد بود. من در مورد اینکه ما تصمیم یک جانبه اتخاذ کنیم یا نکنیم، در اینجا چیزی نمیتوانم و نمیخواهم عرض نمایم، زیرا تصمیم چنین مسایل، تصامیمی در سطح پالیسی های کلان دولت بوده، و بنا بر پیامد های احتمالی سیاسی و شاید هم امنیتی آن، باید در عالیت ترین سطح دولت اتخاذ گردد. اما اگر تصمیم بر آن شود که اطلاعیه ای بفرستیم، که انهم به یقین بی درد سر نخواهد بود، و حتی بدون اطلاعیه پروژه های را روی دست گیریم، در انصورت باید شخصی برای پیشبرد این کار مدنظر گرفته شود که هم مجهز به دانش حقوقی کامل و سوابق تاریخی این چنین مذاکرات و قراردادهای در کشورهای دیگر بوده، در دیپلماسی و فن مذاکرات مهارت کافی داشته و تیم تخنیکی مجهز و وارد در تمام بخشهای که در بند دوم تذکر رفته باشد داشته باشند، را در اختیار داشته باشد، تا بتواند به بهترین وجه از منافع علیای کشور دفاع نماید.

ب - کمک های بلا عوض. تاجانیکه تجربه من نشان میدهد تمام سازمانهای بین المللی (که در بالا از عده از آنها نام گرفته شد)، در کمک های شان برای انکشاف منابع ابی دریا های بین المللی مطابق به احکام منشور و اصول تدوین وتصویب شده شان، نظر کشورهای اب شریک را شرط دانسته و تقاضا مینمایند، به کشورهای که در حوزه

دریائی شریک اند اطلاعیه فرستاده شود (در این رابطه قبلا صحبت صورت گرفت). اما بطور مثال میتوان گفت، بانک جهانی برای اعمار بند راغون کشور تاجکستان، روی دریای و خش، که یکی از معاونین دریای امو است، چندین جلسه مشورتی با کشور های پائین اب بشمول افغانستان برگزار نموده و معلومات همه جانبه توسط متخصصین و کسانی که feasibility هارا انجام داده بودند به اشتراک کننده گان جلسات ارائه داشته ، و به سوالات پاسخ داده سعی نمودند تشویش کشور های پائین اب را، رفع نمایند. و شاید هم در صورت اعتراض معقول و قانونی کشور های پائین اب، بانک جهانی از تعقیب قضیه خودداری میکرد. باید علاوه گردد، بانک جهانی باوصف اینکه در سروی، امکان سنجی و غیره مسایل بند راغون، با جمهوری تاجکستان همکاری نموده است، تا حال تعهد رسمی به تمویل این پروژه ننموده است. به همان طوریکه سازمانهای مالی و پولی بین المللی قبل از تعهد تمویل پروژه روی ابهای دریا های بین المللی، به کسب نظر کشورهای اب شریک تاکید مینمایند، به یقین کشورهای دوست هم، در مورد مساعدتهای شان این موضوع را در نظر خواهند داشت. در این دو حالت باز هم ضرورت به مذاکره و جلب موافقت کمک دهنده گان و تفاهم با همسایگان ذی علاقه و کسب نظر مساعد شان، مطرح میگردد، که رسیدگی به ان نیاز به دانش حقوقی و معلومات در رابطه به اینکه کشور های دیگر، در موارد مشابه چگونه مشکل شان را حل نموده اند، می افتد.

ج - بدست آوردن قرضه به مفاد پائین . من بطور دقیق و موثق نمیدانم که ما در حال حاضر قرضه های مساعد را که در بالا از ان تذکر داده شد، بدست آورده خواهیم توانست، یاخیر؟ زیرا تا یک مدتی ما نمیتوانستیم چنین قرضه ها را بدست بیاوریم. اگر اکنون این محدودیت مرفوع شده باشد، و ما قادر گردیم این نوع قرضه هارا بدست هم بیاوریم، بدون اطلاع به همسایگان، بدست آورده نخواهیم توانست (یعنی کشور قرضه دهنده حاضر نخواهند به پروژه های مشکل زا پول داده و مناسبات سیاسی خود را با یک کشور بخاطر کمک به کشور دیگری خراب سازد. البته استثنائاتی در رابط وجود دارد. مثلا کشور هند حاضر شده است مصارف اعمار بند آب گردان / ذخیره آب شاه توت را بپردازد، که طبعا دلیل آن خرابی مناسبات سیاسی هند و پاکستان می باشد) و در صورت اطلاع باز هم به شرایط دو حالت قبلی مواجه خواهیم شد. یعنی برای قانع ساختن مرجع قرضه دهنده و کشورهای که در دریا با ما شریک اند، باید استدلالی را که در بخش های فوق تذکر داده شد، بکار گیریم، و مذاکره کننده یا مذاکره کننده گان، از توانائی های لازم تخنیکی (حقوقی، انجیری، اقتصاد و زراعت وسایر دسپلین های مورد نیاز در چنین مذاکرات برخوردار باشند).

3 - دانش حقوقی، آگاهی از قراردادهای کشورهای دیگر و مهارت در دیپلماسی و مذاکرات:

با وصف اینکه بدست آوردن معلومات دقیق تخنیکى کار ساده اى نبوده و نیاز مند کار وسیع، دقیق و همه جانبه است، ولى چون جمع اوری ان، تما ما در دست خود مان قرار دارد، انجام ان از امکان بعید نبوده و با زحمت و پشت کار وهم اهنكى مسئولین وکارمندان وزارتها و ادارات مختلف کشور، میسر شده میتواند.

ولى بدست آوردن منابع تمویل و موافقت تمویل کننده گان، چه مساعدت بلا عوض باشد چه قرضه و حصول توافق کشورهای اب شریک ذیعلاقه، ضرورت به دانش عمیق حقوقى، فهم و مهارت در دیپلماسى و فن مذاکرات دارد.

تا جائیکه من معلومات دارم هیچ افغانى در عرصه حقوق ابهای بین المللى و دیپلماسى اب تحصیل ننموده و معلومات کافى در این بخش ندارند (این مطلب در سال 2017 نوشته شده بود که تا آن زمان اشخاص واجد شرایط وجود نداشت. اما از آن زمان به بعد چند نفر جوانى در این عرصه تحصیلات شان را تکمیل نموده اند. ولى از یکطرف تجربه کافى در عمل ودر مذاکرات و دیپلماسى ندارند و از جانبى بعد تحولات اخیر و به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان کشور را ترک نموده اند). میتوانم این را هم علاوه نمایم، که شاید حدس و گمان من درست نباشد، و افراد توانای در این عرصه وجود داشته باشند، و اگر داشته باشد برای من جای خوشى خواهد بود. زیرا در صورتى که چنین افراد موجود میبود، ما مرتکب بعضى اشتباهاتى که شدیم، نمى گردیدیم. در این بخش میخواهم صرف یک مثال را طور نمونه ارائه نمایم.

زمانیکه افغانستان از پلان پاکستان برای اعمار بند داسو، در منطقه کوهستان، ایالت خیبر پشتونخواه اطلاع یافت، حکومت کشور ما، خلی عجلانه، مخالفت خویش را به اعمار بند اعلان نمود. بنظر من علت این تصمیم عاجل، عدم آگاهی از قوانین بین المللى، اصول و نورمهای قبول شده و عدم تحقیقات کافى تخنیکى در باره موقعیت بند داسو و تاثیر مستقیم و غیر مستقیم ان بوضع موجود و فعالیتهاى آینده ما روی حوزه دریای کابل میباشد، که قبل از اعلام موقف کشور، باید وجود میداشت و انجام میگردد. اگرچه ما وکشور پاکستان هردو، عضویت میثاق کنونى ملل متحد را که در این رابطه قابل تطبیق است، نداریم. ولى مطابق منشور بانک جهانى، پاکستان مکلف بود، موضوع رابه ما رسما اطلاع دهد، که انرا از طریق بانک جهانى اطلاع داد. لازم بود در عوض جواب رد فوری، از پاکستان طالب معلومات بیشتر شده و هم خودما تحقیق بیشتر میکردیم. و بعد تحلیل همه جانبه، در مورد تاثیرات مثبت و منفى ان و در روشنى پلانهای کنونى، و آینده خود تصمیم گرفته، پاسخ مناسب ارائه میداشتیم. قرار اطلاع بعد اینکه افغانستان به اعمار بند مخالفت نمود، طور شفاهى به اعمار ان موافقه نموده است. البته تا جائیکه من اطلاع دارم، در مورد سند تحریرى در زمینه وجود ندارد. در این چنین حالات است که نقش دانش حقوقى، سیاسى و آگاهی از حوادث مشابه و دیپلوماسى مبتکرانه برجسته میگردد، تا

منافع علیای مملکت به بهترین شکل ان حفظ گردید. باید سعی میگردید زمینه طوری مساعد میشد، تا از پاکستان بدون دادن امتیاز قابل ملاحظه ای، برای تطبیق پلانهای آینده کشور، یک امتیاز خوبی بدست میاوردیم.

در مورد عده ای از پروژه های که باید بزودی کار ان آغاز گردد، از جمله میتوان از پروژه های که روی در یای کابل امکان سنجی ان صورت گرفته، اعمار بند شاتوت و گلبهار برای جلوگیری از پائین شدن بیشتر سطح اب زیر زمینی کابل و نواحی ان و ملوث شدن این ابها، که اگر برای مدت بیشتری دوام کند، منجر به فاجعه خواهد شد، اهمیت بس مهمی دارند. ما میتوانیم با ارائه دلایل مقنع موسسات مالی و پولی بین المللی، از جمله بانک جهانی را که خود این سروی و امکان سنجی را انجام داده است، تشویق و حتی قانع نمائیم به دریافت منابع مالی برای تمویل این پروژه ها، سعی جدی نماید. کسب نظر مساعد پاکستان در اعمار این بندها در شرایطی که این کشور برنامه اعمار بند داسو را روی دست داشته و در نظر دارد بند دیگری بالای در یای کنر، در منطقه چترال اعمار نماید، شاید دشوار نباشد. همچنان بند برق روی دریای کنر که پاکستان نیز علاقمند و موافق به اعمار ان است. البته بند های پیشبینی شده روی در یای امو - پنج هم خیلی مهم اند.

من بنا به ارزشی که اب برای بشریت داشته و بنا به حقیقتی که مقدار اب در دنیا ثابت بوده ولی نیاز به ان به شکل تصاعد هندسی بالا میرود، و بخاطر اینکه ما از منابع ابی کشور که سرمایه باارزش ملی ما است، و تا اکنون بنا بر دلایل متنوع از ان بصورت موثر و مفید استفاده نتوانسته ایم، از مدت هشت سال به این طرف در پهلوی انجام وظایف رسمی و رسیدگی به امور شخصی زندگی ام، بخشی از وقت و انرژی خود را صرف کسب دانش حقوقی اب، مطالعه قراردادهای اب بین کشور های مختلف، اشتراک در گردهم آئی ملی، منطقه ای و بین المللی در رابطه به اب، مطالعه مضامین در مورد ابعاد مختلف اب چون ابعاد بشری، اقتصادی و امنیتی ان نموده و تلاش کرده ام، برای روزی که افغانستان تصمیم به انکشاف منابع ابی خود اتخاذ نماید، و اقدام به عملی نمودن کند، و ضرورت به یک مدافع وطن پرست، که از منافع ملی افغانستان دفاع نماید، و تا حدود لازم به همه جوانب و ابعاد مسایل مربوط به استفاده از ابهای دریاهای بین المللی اشنائی داشته باشد، در خدمت مردم و کشورم قرار گیرم.

برای معلومات بیشتر باید گفته شود، که در عرصه استفاده، منازعات و دعاوی ابهای بین المللی، چهار تیوری اساسی، وجود دارد، که شامل،

- تیوریهای حاکمیت مطلق ساحوی،

- همگرایی مطلق ساحوی،

- حاکمیت محدود ساحوی، و

- اشتراک منافع، می‌گردد.

دو تیوری اولی که در قرنهای 18 و 19 و الی اواسط قرن 20 از طرف کشورهای مختلف بکار برده میشد، اکنون با وصف آنکه بعضی کشورها هنوز هم، گاه گاهی، بر آنها اتکا مینمایند، دیگر نقش خویش را در روابط بین الملل از دست داده اند. این تیوریا در گذشته توسط امریکا، هند و بعضا ترکیه بعضی کشورهای دیگر، بحیث کشورهای بالا آب و مصر بحیث کشور پایین آب، بکار برده شده اند. ولی اکنون بیشتر کشورها با توجه به، و درروشنی احکام، حاکمیت محدود ساحوی و اشتراک منافع مشکلات شان را حل مینمایند. تیوریهای دیگری چون تیوری تشکیلاتی و تیوری اقتصادی، نیز وجود دارد، در حالیکه که این تیوریا، از بعضی جهات مشابهت به بعضی از تیوری متذکره در بالا دارند، هریک به بخشهای مختلف تقسیم می‌گردند، که خیلی تخصصی بوده و صحبت روی انرا در اینجا لازم نمی دانم.

آنچه تا حال در این عرصه در مدت کمی به ابتکار و پیشنهادات من صورت گرفته است. برای اینکه ظرفیت در رابطه به مسایل حقوق بین المللی ابهای فرامرزی، در وزارت امور خارجه کمرنگ است، بمنظور بلند بردن معلومات دیپلماتهای جوان، به همکاری ریاست امور سرحدی و همکاریهای امنیتی تلاش جریان دارد تا یک (RC) resource center را در چوکات وزارت امور خارجه به کمک بانک جهانی، آسیائی و یا یکی از کشورهای دوست ایجاد نمایم. در نظر است تعداد زیادی از قراردادهای بین المللی در عرصه ابهای بین المللی هم بشکل دیجتل و هم چاپی، کتب و مجلات و همچنان مضامینی که در رابطه به موضوعات استفاده از دریاها بین المللی در سایت های مختلف به نشر میرسد در این مرکز، جمع اوری گردد. همچنان وقتا فوقتا متخصصین امور ابهای بین المللی، و استادان پوهنتونهای دنیا که در عرصه اداره و حل منازعات اب، دانش تخصصی دارند، غرض ارائه لکچر دعوت شوند، تا در رابطه به آخرین تحولات و شیوه های حل منازعات و بهره برداری مشترک کشور ها از منابع ابی مشترک یادریاها بین المللی، لکچر ایراد کرده به سوالات اشتراک کنندگان که شامل دیپلماتان، انجیران عرصه ساختمان بند و انهار، کارمندان سایر ادارات ذی‌علاقه دولتی، نمایندگان جامعه مدنی و محصلین خواهند بود، پاسخ ارائه نمایند.

برعلاوه، هنگام اقامتم در کشور یک کورس دوهفته ای را در انستیتوت دیپلماسی وزارت امور خارجه در مورد حقوق ابهای فرامرزی (بمنظور آشنائی حد اقل اشتراک کنندگان به مسایل حقوقی دریاها بین المللی و شیوه حل منازعات) تدریس نمودم. همپنان چندین لکچر در رابطه به مسایل حقوقی اب، اب و امنیت بشری، تقابل یا همکاری در استفاده از ابهای بین المللی، در انستیتوت دیپلماسی وزارت امور خارجه، ایراد کرده ام. علاوه

برای تقویه دانش مسلکی کار مندان ریاست امور سرحدی و همکاریهای امنیتی، ریاستی که من مستقیماً با آن همکاری داشتم، پروگرام منظم ارائه پریزنیشن هارا ترتیب نموده ام. مطابق این پروگرام، هرکارمند در رابطه به موضوع تعیین شده، تحقیق همه جانبه نموده، پریزنیشن علمی ای تهیه و ارائه میدارد.

بنظر من باید این مضمون شامل دروس فاکولته حقوق، پوهنتون کابل گردیده برای یک سمستر یا دوسمستر مکمل تدریس گردد. من حاضرشده بودم در آغاز خودم این مضمون را بدون حق الزحمه، تدریس نمایم.

با مطالعه قراردادهای مختلف و مضامین و نظریات متنوعی که در مورد ابعاد مختلف آب در مقیاس ملی و بین المللی نوشته شده است، من دو خط فکری را که کاملاً در دو قطب مخالف از هم قرار دارند، تشخیص نمودم. عده ای چون آقای سراج الدین معاون بانک جهانی، که آنهایی که به مسایل دریاها بخصوص دریاهای فرامرزی علاقه دارند به یقین از ایشان شناخت دقیقی دارند، معتقد اند جنگ های قرن فعلی (قرن 21) روی آب خواهد بود، واز نظر کسانی که شامل گروپ یا مکتب جنک آب water wars میباشند، حمایت میکنند. دسته دیگری که من با آنها هم نظر هستم، معتقد اند، همان طوریکه آب سبب تشنج میگردد، میتواند زمینه دوستی و تقویه اعتماد بهم دیگررا، در سطح ملی و بین المللی، نیز فراهم آورد. در این عرصه میشود از ولف و همفکرانش یاد آوری کرد. آنها معتقد اند، اگر چه مخاصمات و تصادمات روی آب در سطوح محلی و ملی و بعضاً منطقوی اتفاق افتیده و شاید بازهم رخ دهد، جنگ های بین المللی روی آب صورت نگرفته یعنی شانس آن کم است. مثال خوب در دفاع از این تیوری این است، که در طول تاریخ 5000 هزار ساله بشر، صرف یک جنگ تمام عیار و انهم 4500 قبل بین دوشهراومما Umma و لگاش Lagash، که نمیشود آنها را دودولت نامید زیرا هردو در حقیقت دوشهر مستقل یا City State، ودر بین النهرین در قسمت های عراق کنونی، موقعیت داشتند، رخ داده است. از آن زمان بعد صرف 7 تشنج و بحران کوچک و یک بار تیر اندازی مختصر بین اسرائیل و همسایه گانش، کدام جنگی بزرگ و تمام عیاری اتفاق نه افتاده است. در حالیکه کشور ها توانسته اند 3600 قرارداد در رابطه به استفاده از دریاهای مشترک را به امضا رسانیده و عملی نمایند. قابل یاد آوری است که نزدیک به 145 ان در موارد غیر از کشتی رانی است، و بنا بر حساسیت و دشواری که تعیین سهمیه (حق آبه)، دارد صرف نزدیک به 15 فیصد این قراردادها مساله حق آبه را دربر میگیرد. همچنان صدها کمیسیون های مشترک برای اداره آب و یاحل منازعات بین کشورهای مختلف، بوجود آمده، و همین اکنون تقریباً همه آنها فعال اند.

با آنچه گفته آمدیم، من به این نظر هستم که باید سعی ما در این باشد، تا با در نظر داشت منافع ملی، با جلب موافقت سازمانهای ملی و پولی بین المللی، و کسب نظر مساعد

همسایگان با کاربرد دیپلماسی سازنده، با استفاده از تجارب کشور های دیگر جهان، درروشنی احکام میثاق بین المللی در این مورد، اگرچه، نه کشور ما، و نه کشورهای همسایه ما، به جز از اوزبیکستان، عضویت این میثاق را دارند، پروژه های را که در نظر داریم، به پایه اكمال برسانیم. خیلی مهم است به همسایه ها اطمینان دهیم که، بر مبنای پالیسی همکاریهای منطقی، که یک اصل اساسی در سیاست خارجی ما است و باید باشد، انکشاف منابع آبی ما، به معنی محروم نمودن آنها، یا قطع کامل و همیشگی جریان آب به کشور های شان نبوده، بلکه ما از حق خویش مطابق به پرنسیپ های قبول شده جهانی، فعلا حاکم در روابط کشورها، همچنان پرنسیپهای که قبل بر تصویب میثاق فعلی ملل متحد در این عرصه وجود داشته چون (Helsinki Rules (1966 که در 2004 تعدیل شده و اکنون بنام Berlin Rules مسمی است، بشکل عادلانه و منصفانه یعنی equitable and reasonable استفاده خواهیم نموده وسیعی جدی خواهیم کرد صدمه قابل ملاحظه ای بر کشورهای پایان آب و آب شریک وارد نکنیم. یعنی به شیوه ای استفاده خواهیم کرد که میثاق کنونی و نورمهای جهانی، انرا پذیرفته و مورد تائید قرار داده است. البته همچنان باید به انها اعلان نمائیم که، ما مخالف غور روی امکانات دیگر، چون منفعت مشترک یا benefit sharing نیستیم، و در صورتیکه منافع متقابل تضمین شده بتواند، اقدامات لازم را در این جهت نیز، امور غور قرار خواهیم داد.

در حالیکه، بدست آوردن نتیجه مطلوب در هر قرارداد بین المللی در یاهای فرامرزی، آماده گی در تمام بخشها و مطالبی که در فوق تذکر رفت مهم است، نقش تعین کننده را، دانش حقوقی بین المللی، معلومات وسیع از قراردادهای که قبلا بین کشور ها صورت گرفته است، و مهارت در دیپلماسی و فن مذاکرات، میتواند ایفا نماید.

باید علاوه شود که، موضوع ابهای فرامرزی و قواعد حقوقی ان، انقدرمغلق و جنجال بر انگیز است، که کمیسیون حقوقی بین المللی مجبور گردید 27 سال با لای ان کار نموده و 32 مسوده را آماده سازد تا طرف قبول تمام کشور های عضو ان زمان ملل متحد قرار گیرد (کار تسوید میثاق در سال 1970 آغاز و در سال 1997 در اسامبله عمومی ملل متحد به 103 رای موافق، 27 رای مستنکف و 3 رای مخالف تصویب رسید) سه کشوری که رای مخالف دادند عبارت اند از چین، ترکیه و برونودی اند. و بعد تصویب، 17 سال دیگر سپری شد تا در 19 اگست 2014 نافذ گردید. و ان زمانی صورت گرفت که کشور ویتنام، بحیث سی و پنجمین کشور، اسناد مصدقه خویش را در 19 می 2014 به سکرتریت ملل متحد تقدیم نمود. این میثاق در حالیکه یگانه سند بین المللی است، با وصف کار زیادی که روی ان صورت گرفته است، با آنهم دارای بعضی خلاهای حقوقی است، ولی در شرایط موجود، میتواند بحیث یک رهنمود خوب، مورد استفاده قرار گیرد.

قابل یاد اوری میدانم که موضوع استفاده از ابهای فرامرزی و مسایل مربوط به ان طوریکه دست اندکاران و متخصصین این عرصه می دانند، خیلی مغلق و به پیمانه زیاد وسیع است، که گنجا نیدن همه ابعاد مربوط به ان از حوصله این سند / مقاله مختصر، بدور است، امید است اگر به بعضی جهات تماس گرفته نشده باشد، خوانندگان محترم بخصوص دانشمندان این عرصه، مرا معذور دارند.

باید علاوه نمایم که من در جریان چند سال اخیر در ضمن اشتراک در گردهم ائی های مختلف و در صحبت با افغانهای مقیم خارج، با عده ای از جوانان و سایر افغانهای که به ابعاد مختلف اب، مانند جلوگیری از الوده شدن ابها، استفاده موثر از اب برای زراعت، جلوگیری از ضیاع اب، جلوگیری از سیلابها، تولید انرژی برق، برای اینکه ما از ناحیه انرژی برق خود کفا شده و حتی به خارج از کشور انرژی برق را صادر نمایم، دلچسپی نشان داده اند، همچنان بعضی کمپنی های که به سرمایه گذاری در عرصه اب در افغانستان علاقمندی اند، آشنا شده ام. امید وارم روزی شرایط مساعد گردد تا بتوانیم هم از افغان های که متوطن در خارج کشور اندو هم از مسئولین کمپنی های خارجی دعوت نمائیم تا به افغانستان سفر کرده و از نزدیک با ادارات ذیربط ملاقات نموده و تبادل نظر نمایند. شاید نتیجه مثبتی از ان بدست آید.

نوت: اصل این سند (که این نوشته کاپی تعدیل شده آن است، با آقای اشرف غنی رئیس جمهور اسبق افغانستان شریک ساخته شده بود، که به حمایت از آن وعده نموده بود). اما طوریکه اکثر پلانها روی دلایل مختلف، بخصوص دلایل امنیتی و مالی (اعمار بند های متوسط و بزرگ منابع مالی خیلی زیادی بکار دارد) عملی شده نتوانست، کارهای آغاز شده ناتمام باقی ماند و شاید با وضعی که در افغانستان جریان دارد، یا اصلا عملی نگردیده و اگر عملی هم شود زمان خیلی طویلی را در برخواهد گرفت.

